**راپورت ها**

**سید جمال واعظ**

مسجد حاج باقر صبح جناب حاج سید مصطفی نماز خواند و آسید محمد علی واعظ عرب وعظ کرد،مصیبت حضرت امام موسی کاظم را بیان کرد،بعد مصیبت غریبی حضرت سید الشهداء 4،بعد از مصیبت دعا بوجود مبارک اعلیحضرت همایونی،بعد از روضه یکروز و یکشب نماز قضا خواند.

بعد حاج سید مصطفی آمد برود منزل،جمعی سرباز از سربازهای توی سربازخانه که متعلق‏ بجناب وزیر دربار است با چند نفر از قاطرچی‏ها که متعلق است بعلی خان باشی توی خیابان ایستاده‏ بودند و هر شتردار و مکاری که بار بوته و پیاز و چیزهای دیگر بار داشتند چه سرباز و چه قاطرچی‏ها بزور فحش و کتک از ساربان‏ها میگرفتند،بعلاوه هرکدام هم میتوانستند شولاتوبره و ترک جوال‏ خورجین از روی شترها برمیداشتند و با چاقو میبریدند.حاجی سید مصطفی تماشا میکرد.چند نفر همراه او بود رو کرد بآنها،که این وضع مسلمانی است این بیچاره‏ها از دو فرسنگی الا یک منزلی بار بیاورند،و این سربازها با قاطرچی‏ها اینطور بکنند،نه پلیس جرأت میکند مانع بشود و نه نایب‏ محل،من لابد هستم این مسئله را بجناب آسید محمد و آسید عبد اللّه و بعضی آقایان دیگر اطلاع‏ بدهم.خودم هم کاغذی بجناب وزیر مخصوص بنویسم اگر از عهده برآمدند فیها و الا خودم از عهدهء این کار برآیم.

\*\*\* مسجد شیخ عبد الحسین جناب آسید جمال وعظ کرد.اول آیهء امانت را خواند بعد،مسئله‏ نجاسات را خواند که نجاسات چهار قسم است اول نجاسات ظاهری،دوم نجاسات معصیت و ظلم،سیم‏ کسی که بامانت مردم خیانت بکند.بعد گفت حضرت پیغمبر(ص)بامت فرموده که شماها شش چیز را ضمانت بکنید،اول اینکه دروغ نگوئید بعد از اینکه شماها این ضمانت را بعمل آوردید منهم‏ یک ضمانت برای شما میکنم که بروید بهشت.

باری یکروز یک جوانی آمد خدمت حضرت رسول(ص)عرض کرد که من گناهکارم،مرحمتی‏ بکنید که من توبه کنم.حضرت فرمودند برو دروغ نگو.جوان آمد منزلش گفت پیغمبر فرموده‏ من دروغ نگویم شراب میخورم چه میکنم چه میکنم دروغ نمیگویم.اول آمد شراب بخورد،بعد گفت من شرط کرده‏ام دروغ نگویم،فردا اگر از من بپرسند دیشب چه کرده‏ای نمیتوانم دروغ بگویم پس شراب هم نمیخورم و هگذا و هگذا،دیگر هیچ کاری نکرد،پس معلوم میشود دروغ گفتن کلید تمام معصیت‏ها است.آخر به‏بینید فرنگی‏ها بقول امام ما رفتار میکنند و ما نمیکنیم،مثل اینکه‏ میروی از فلان فرنگی چیزی بخری،میگوئی صاحب چند؟میگوید بیست و پنج تومان.دیگر جواب و سؤال نمیکند،یا باید بخری یا اینکه باید حرف نزنی.اما فلان شیخ نماز جماعت میخواند چه میکند چه میکند،بسیار آدم درستی است،میروی فلان چیز را از او بخری،میگوید چهار هزار و ده شاهی.بیست دفعه او قسم حضرت عباس بیست دفعه تو،آخر هم بسی شاهی میخری،تا دو چیز نباشد کار ایران درست نمیشود یکی صداقت یکی.آذری.معنی صداقت چه چیز است وقتیکه بنا شد صداقت باشد هیچوقت معصیت نمیشود،یکی هم آزادی.

بعد آیهء حب وطن را خواند که پیغمبر ما میفرماید هرکس حب وطن را بخواهد مؤمن است‏ معنی آزادی این است مثلا یک بچه یتیم میشود زن پدر چه‏جور بدرفتاری میکند،اما وقتیکه‏ مادر داشته باشد پدر داشته باشد آزاد است،اگر ناخوش بشود طبیب میآورند،دوا و غذا می‏هند تا وقتیکه خوب بشود.هرچه خوب باشد مال بچه است در ضمن او را تربیت میکنند،میگویند مکتب‏ برو درس بخوان مشق بکن،چه بکن آنوقت آزاد است چه هست چه هست.پس ما بمنزلهء اولاد هستیم نسبت بشاه،هیچوقت پدر خوشش نمیآید که اولادش هرزه شود،هیچوقت نمیخواهد بد شود، پادشاه هم همینطور.پس معلوم میشود ما مردم اسیر هستیم.چه‏طور؟همانطور که طفل بی‏مادر به‏ دست زن پدر،ما هم همین‏طور اسیریم اما پادشاه از تمام ماها اسیرتر است،مثل اینکه ماها دشمن‏ داریم او هم دشمن دارد.مثلا فلان مرد بیچاره اول زنش با او دشمن است،چه‏طور؟بیچاره میرود شب نمیآید زنش گمان میکند که شوهرش رفته است زن بگیرد.پادشاه هم زنها با او دشمن،پیشخدمت‏ با او دشمن،اما وقتیکه آزادی باشد اینطور نیست.

آخر مردم،ایران خانه ماست اگر چنانچه دین ما بد باشد غیرت ما قبول میکند،همینطور ناموس‏ها،همینطور خانهء ما پس عمدهء چهار چیز خانه ما است.خانه ما کجاست،ایران است.ای اهل‏ اسلام!ای اهل غیرت!وقتیکة فرنگی خانهء شما را گرفت دیگر نمی‏توانی باین امنیت بیائی در مسجد، امثال ماها دیگر نمیتوانیم بیائیم مسجد،مثل قفقاز بادکوبه،کجاکجا،اهل شهر مسلمانند ولی‏ حاکی فرنگی است.مثلا اگر زن بخواهد بیاید مسجد یا بازار باید مالیات بدهد،آنوقت بماها میگویند وقتیکه مسجد میآئید عمامه‏تانرا سر بگذارید وقتی میخواهید بیرون بروید کلاه سر بگذارید پس خانه نگهداری میخواهد.

مثلا فلان ملا یا فلان بیچاره میرود توی دکان نانوائی،چهار ساعت باید تملق بگوید آخر هم‏ گوش نمیدهد اما فلان نایب یا فلان فراش یا فلان بیعار که میرود می‏گوید شاطر سلام علیکم، دست شما درد نکند.بعد او زیرچشمی نگاه بکند بیک افاده نان بدهد.اما یک بیوه‏زن بیچاره باید چهار ساعت معطل بشود این مسلمانی است!اما وقتیکه آزادی شد اینطور نمیشود.مثل گرگ و گوسفند که با هم شریک شدند عاقبت گرگ گوسفند را خورد.

ای مردم میدانم که این صحبت‏های من تمام را پورت میشود اما بازهم میگویم.بذات پروردگار اگر این‏طور بماند ایران را انگلیسیها و روسیها خواهند گرفت.مردم خوب پادشاهی است خدا عمرش بدهد.صحبت خیلی.بعد مصیبت حضرت رقیه‏خواتون بعد دعای زیاد بوجود مبارک اعلیحضرت‏ همایونی.محض اطلاع خاطر مبارک عرض شد.

چاکر عباسقلی